

راه کارهای ایجاد وحدت در جامعه از دیدگاه قرآن

ک شهین سالاروند*

محمد فولادی**

حامد سالاروند***

علی نظری****

چکیده

وحدت جهان اسلام یکی از مهم ترین مباحثی است که آموزه های دینی و در رأس آن، قرآن کریم به آن پرداخته است. در کنار وحدت، تفرقه، مانع بزرگ کمال انسان هاست. جامعه اسلامی هنگامی با شتاب لازم به سوی کمال حرکت خواهد کرد که موانع وحدت از مسیر آن برداشته شود. بدون شک، قرآن کریم، بهترین، کامل ترین و مطمئن ترین منبع برای دستیابی به چگونگی ایجاد جامعه برتر است.

این مقاله با مروری بر منابع در دسترس، با هدف تعیین راه کارهای ایجاد وحدت از دیدگاه قرآن انجام شده است و درصدد است تا براساس آیات قرآن کریم، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این مسئله بپردازد.

چنگ زدن به ریسمان الهی، توجه به نقاط مشترک، بازگشت به سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت ، امر به معروف و نهی از منکر، حفظ حقوق یکدیگر، اصلاح روابط فیما بین، تحقق نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن کریم و مکتب نورانی اهل بیت  و اطاعت محض از اولی الامر و رهبری دینی، پرهیز از تفرقه و... از جمله یافته های این مقاله می باشد.

کلیدواژه ها: قرآن کریم، مسلمانان، وحدت، تفرقه.

مقدمه

نخست خویش و دستیابی به جامعه برتر، باید با توجه به کتاب و سنت، در محور توحید قرار گیرد و از وحدت بهره‌مند شده، از تفرقه‌رهایی یابد (کاملی ۱۳۹۰). وحدت‌بخشی بدون توجه به راه‌حل‌ها و روش‌هایی که در قرآن کریم و سنت نبوی و علوی آمده، امکان‌پذیر نیست و این روش‌ها باید جنبه عمل به خود بگیرند (حیدری، ۱۳۹۰). قرآن کریم در نفی انواع دروغین وحدتی که زیر عنوان «وحدت فیزیکی و منافع مادی» می‌گنجد، به وحدت حقیقی اشاره می‌کند (تسخیری، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

از جمله مطالعاتی که در این زمینه انجام شده، می‌توان به مقاله «اتحاد و وحدت از دیدگاه آیات و روایات» اشاره کرد. نویسنده ضمن پرداختن به مضامین توصیه‌های قرآن به مسلمانان در مورد وحدت و اتحاد، نهی قرآن از اختلاف، اهمیت موضوع اتحاد و وحدت در سنت و سیره عملی پیامبر، به دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره وحدت اشاره کرده و در آخر نتیجه‌گیری می‌کند که مطالعه سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) حاکی از آن است که مصلحت‌اندیشی برای حفظ وحدت امت اسلام با وجود عدم تسامح در اصول و احکام اسلامی همواره مورد تأکید آنان قرار داشته و تحقق ارزش‌های اسلامی و قرآنی با توجه به شرایط زمان، موضوع اتحاد همیشه مورد توجه آنان بوده است (مؤیدنیا، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

مقاله‌ای دیگر با عنوان «برخی مصادیق اتحاد ملی و انسجام اسلامی در قرآن» نتیجه می‌گیرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با اتحاد و تمسک به قرآن و چنگ زدن به ریسمان الهی، توانست از قبایل پراکنده عرب که تا آن زمان جزو هیچ تمدنی نبودند، جامعه‌ای منظم، فشرده و متدین بسازد. به باور نویسنده، رمز و راز موفقیت‌های مسلمانان در طول تاریخ، اتحاد و انسجام بود و علل شکست‌ها، مصیبت‌ها و

جامعه اسلامی هنگامی با شتاب لازم به سوی کمال حرکت خواهد کرد که موانع وحدت از مسیر آن برداشته شود. تفرقه و اختلاف، مانع بزرگ کمال انسان‌ها و جامعه است و چنانچه اتحاد جامعه اسلامی بتواند براساس آموزه‌های وحیانی و نیز سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) وحدت را مدنظر قرار داده و از تفرقه و اختلاف پرهیز نمایند، شکوه اسلام به تمامی، ظاهر شده و عظمت امت اسلامی تحقق پیدا می‌کند (نواندیشان، ۱۳۹۲). وسعت معنای وحدت در قرآن بسیار زیاد است. برای نمونه، بحث وحدت در توحید یک عالم بزرگی است (وحدت موردنظر قرآن، ۱۳۹۲). قرآن در بیش از پنجاه آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های پیش‌گیری از تفرقه و راه‌های به دست آوردن اتحاد اشاره می‌کند که همگی نشان می‌دهد این موضوع از نظر قرآن دارای چه اهمیتی است (حیدری، ۱۳۹۰).

قرآن کریم کوشیده است تا افزون بر بیان گزاره‌های هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه، ما را یاری و مدد رساند تا درک و فهم درستی از هستی و عوامل مؤثر در آن و نیز قابلیت‌ها و توانمندی‌های بشری به دست آوریم. همچنین به گزارش توصیفی، تحلیلی و تبیینی از رخدادها و عوامل و سازوکارهایی می‌پردازد که در ایجاد جامعه برتر نقش مهم و تأثیرگذاری را ایفا کرده است؛ بلکه قرآن، گاه در مقام داور نشسته و به ارزش‌یابی عوامل و اعمالی می‌پردازد که گاه در روند ایجاد و یا تکاملی جامعه برتر خللی وارد می‌ساخته است (منصوری، ۱۳۸۹). کاشف الغطاء می‌گوید: «اسلام بر روی دو اصل و دو فکر بنا شده است: یکی، اصل پرستش خدای یگانه است؛ دیگر اصل اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی است» (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۳۴). جامعه اسلامی برای بازگشت به عزت و کرامت

چالش های دنیای اسلام نیز اختلاف و تفرقه بوده است. نمونه بارز نتایج مصیبت بار تفرقه در بین مسلمانان را بعد از رحلت پیامبر اسلام می توان به وضوح مشاهده نمود. از سوی دیگر، این وعده قرآن است که اگر مسلمانان با هم متحد و منسجم نباشند دچار عذاب دردناکی خواهند شد. از این رو، جامعه اسلامی باید اتحاد ملی و انسجام اسلامی را به عنوان یک راهبرد بلندمدت و جاودانه در رأس هرم برنامه ریزی های خود قرار دهد و بر این اساس حرکت نماید؛ چراکه بر اساس نص صریح قرآن، راز سعادت جاودانه مسلمانان در اتحاد است. نویسنده از تحقیق خود چنین نتیجه می گیرد که بسیاری از نارسایی ها و عقب افتادگی ها و حتی ناامنی های جهان اسلام در اثر بی تفاوتی و غفلت از احکام قرآن بخصوص در مسئله اتحاد ملی و انسجام اسلامی است و تنها راه حل بسیاری از مشکلات کنونی جهان اسلام، اتحاد ملی و انسجام اسلامی است که اگر چنین نشود، این مشکلات برجیدنی نیستند (مهدوی مطلق، ۱۳۸۶).

میرجلیلی در مقاله ای تحت عنوان «حضرت علی علیه السلام، منادی وحدت» می نویسد: اتحاد در دین اسلام و ملل اسلامی به واسطه وجوه مشترک فراوان همچون اعتقاد به خدای واحد، رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن کریم، امامت و رهبری و... می تواند خودبه خود ایجاد شود و هیچ لزومی هم ندارد که مسلمانان در یک خطه جغرافیایی خاصی باشند. از دیدگاه آن حضرت، حفظ سنت های پسندیده، توجه به خواسته های بر حق مردم، استفاده صحیح از عواطف و احساسات مردم با توجه به اعتقادات مسلمانان بر وجود خدای واحد و تمسک به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیروی از امام و رهبر و... از جمله عوامل و عناصر وحدت امت اسلامی است که در مواقع بسیار حساس توانسته است جلوی تفرقه و از هم پاشیدگی

این امت را بگیرد (میرجلیلی، ۱۳۸۷).
قریشی کرین و همکاران نیز وحدت را رویکردی راهبردی می دانند (قریشی کرین، ۱۳۹۱).
همچنین در خصوص وحدت از نگاه قرآن کریم، در تفاسیر متعدد مباحث ارزنده ای ارائه شده است که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد: *المیزان فی تفسیر القرآن*، اثر علامه طباطبائی (ج ۳، ص ۳۶۹-۳۷۱)؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، اثر زمخشری (ج ۱، ص ۳۹۵)؛ *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، اثر رشیدالدین میبیدی (ج ۲، ص ۲۳۱)؛ *فی ظلال القرآن*، اثر سید قطب (ج ۱، ص ۴۴۲-۴۴۳) و... .

توجه به نقاط مشترک

وحدت اسلامی، عبارت است از «همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی و در پیش گرفتن موضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و اتحاد در برابر دشمنان امت، ضمن احترام به تعهدات عقیدتی و عملی هر فرد مسلمان نسبت به مذهب خویش». فراخوان وحدت به معنای لغو مذاهب یا ادغام و تلفیق آنها در یکدیگر نیست، بلکه به معنای تکیه کردن بر ثوابت عام و مشترک در عقیده و شریعت است (تسخیری، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

در قرآن کریم آیاتی یافت می شود که خداوند بزرگ، انسان ها را به نقاط مشترک میان آنها متوجه می سازد؛ آنجایی که می فرماید: ما شما را از یک نفس آفریدیم: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء: ۱).

خداوند بزرگ حتی نسبت به اهل کتاب سفارش به

توجه به امور مهم مشترک کرده است. در دو آیه - که در ادامه می آید - تصریح می فرماید که برخی از اهل کتاب همچنان آیات الهی را تلاوت می کنند: ﴿مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۳) در نتیجه، نزدیکی با اهل کتاب حول توحید و پرستش خدا و آیات الهی ممکن است. و در جای دیگر می فرماید: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (عنکبوت: ۴۶). همان گونه که مشاهده می گردد، در آیه فوق خطاب به اهل کتاب می فرماید: ﴿وَاللَّهُنَّ وَالْهَکُمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾؛ به عبارت دیگر، در این آیه بر نکات مشترک تأکید شده است و در جای دیگر می فرماید: ﴿وَقُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۶۴). پس وقتی توجه به مشترکات درباره اهل کتاب صادق است، به طریق اولی درباره مسلمانان هم جاری است (شاورانی، ۱۳۹۰).

اتحاد و همبستگی ملی و درونی همه انسان ها چنان مطلوب و در برابر، اختلاف چنان نکوهیده است که قرآن در پنج آیه اعلام می دارد: اگر مصلحت ایجاب می کرد، خداوند با اراده تکوینی خود، همه مردم را یکپارچه و از یک امت و ملت قرار می داد (حیدری، ۱۳۹۰). بنابراین، یکی از راه کارهای قرآن بر ایجاد اتحاد، طرح امت واحده است که خداوند می خواهد همه مردم صرف نظر از نژاد، ملیت، قومیت، مذهب، زبان، نسب و حسب و قبيله در این دایره وارد شوند. کلمه «امت» در قرآن کریم با پسوند «واحد»، بیش از ۵۰ بار در قرآن تکرار شده است (نخی، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

مخاطبان دعوت به یگانگی، نقاط مشترکی دارند که

قرآن بر این نقاط، انگشت گذاشته و آنان را به یگانه شدن بر محور آنها فراخوانده است. تأکید بر اینکه انسان ها همه از خاک آفریده شده (حج: ۵) یا از یک پدر و مادر زاده شده اند (حجرات: ۱۳) توجه دادن به این نقاط مشترک در یگانگی جهانی است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترک عقیدتی (آل عمران: ۶۴) نیز بدین سبب انجام گرفته است (سلطانی رنای، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸).

چنگ زدن به ریسمان الهی

قرآن کریم در یکی از صریح ترین آیات خود، یعنی آیه ۱۰۳ سوره «آل عمران»، در دعوت به اتحاد، تمام مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه فراخوانده است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾. نیز در آیات ۱۴۶ و ۱۷۵ «نساء» و ۱۰۱ «آل عمران» از تمسک جستن به خداوند، سخن به میان آورده است. در اینکه مقصود از «ریسمان الهی» چیست، مفسران اختلاف دارند. قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است. برخی نیز مفهوم «حبل الله» را شامل همه این معانی دانسته اند. علامه طباطبائی در ذیل این آیه چنین می فرماید: «اینک در این آیه، اعتصام مذکور و سفارش شده در آن آیه را، مبدل کرد به اعتصام به حبل الله. در نتیجه، فهماند که اعتصام به خدا و رسولی که قبلاً گفتیم، اعتصام به حبل الله است؛ یعنی آن رابط و واسطه ای که بین عبد و ربّ را به هم وصل می کند، و آسمان را به زمین مرتبط می سازد. چون گفتیم که اعتصام به خدا و رسول،

خداوند و رسول و اولی الامر که امامان معصوم علیهم السلام و فقها و جانشینان آنان در زمان غیبت هستند تبعیت محض داشته باشند؛ ثانیاً در منازعات و اختلافات خود، به خداوند و رسول و سنت وی و اولی الامر رجوع کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ و و این رجوع الی الله در روایت حضرت امیر علیه السلام به رجوع به قرآن تعبیر شده است؛ بنابراین، قرآن کریم، افزون بر آنکه می تواند در نقش محور یگانگی، ایجادکننده آن باشد، می تواند در رویکرد اختلافات، یگانگی پیشین را نیز اعاده کند. چنین نقشی برای قرآن بدان سبب است که افزون بر دعوت همگان به یگانگی و بر حذر داشتنشان از تفرقه، نظام عقیدتی، اخلاقی و عملی منسجم و هماهنگی را ترسیم می کند که هر کس بدان رجوع کند، ناخودآگاه خود را با میلیون ها پیرو قرآن یگانه می یابد (قائدان، ۱۳۸۶، ص ۷۱). همان گونه که اشاره شد، علامه طباطبائی بر پایه روش تفسیر قرآن به قرآن، با استناد به آیه ۱۰۱ همین سوره، بر این باور است که یکی از مهم ترین مصادیق «حبل الله»، قرآن کریم است. وی برای تأیید این برداشت، روایتی را از صاحب کتاب تفسیر شریف تسمیان نقل می کند که در آن روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله «حبل الله» را به قرآن تفسیر می کند (نواندیشان، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، برخی آیات، همه ما را دعوت به چنگ زدن و تمسک حول نقطه مشترک می کنند؛ از جمله:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء: ۱۴۵-۱۴۶)؛

﴿وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ

اعتصام به کتاب خدا است که عبارت است از وحیی که از آسمان به زمین می رسد. و اگر خواستی، می توانی این طور بگویی: حبل الله همان قرآن و رسول خدا صلی الله علیه و آله است. چون قبلاً هم توجه فرمودی که برگشت همه اینها به یک چیز است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۳۶۹؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۴). زمخشری نیز یکی از مصادیق «حبل» را قرآن کریم می داند و در تفسیر این آیه چنین می گوید: «واجتمعوا على استعانتكم بالله و وثوقكم به و لا تفرقوا عنه. أو واجتمعوا على التمسك بعهدہ إلى عباده و هو الإيمان والطاعة أو بكتابه لقول النبي - صلى الله عليه و سلم - «القرآن حبل الله المتين لا تنقضی عجائبه، و لا یخلق عن كثرة الرد، من قال به صدق و من عمل به رشد، و من اعتصم به هدی إلى صراط مستقیم... وَلَا تَفَرَّقُوا و لا تفرقوا عن الحق بوقوع الاختلاف بینكم كما اختلفت اليهود و النصارى، أو كما كنتم متفرقين فی الجاهلیة متدبرین یعادى بعضكم بعضا و یحاربه، أو و لا تحدثوا ما یكون عنه التفرق و یزول معه الاجتماع و الألفة التى أنتم علیها مما یأباه جامعكم و المؤلف بینكم، و هو اتباع الحق و التمسك بالإسلام. كانوا فی الجاهلیة بینهم الإحن و العداوات و الحروب المتواصلة، فألف الله بین قلوبهم بالإسلام. و قذف فیها المحبة فتحابوا و توافقوا...» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹۵).

با این حال، به نظر می رسد که نزدیک ترین تفسیر برای این واژه، دیدگاه نخست، یعنی قرآن کریم است؛ چنان که در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، «قرآن»، ریسمان الهی کشیده شده میان آسمان و زمین معرفی شده است: «کتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء الى الارض.» معرفی قرآن به صورت «ثقل اکبر» در روایت معروف «ثقلین» نیز مؤید این مدعاست؛ چنان که قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره «نساء»، خود از مؤمنان خواسته است تا اولاً، از

اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿لَقَمَان: ۲۲﴾؛
- «فَقَدَرْتُ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿(بقره: ۲۵۶)؛

- «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿(زخرف: ۴۳)؛

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ (حج: ۷۸) (حیدری، ۱۳۹۰).

قرآن کریم، نتایج و آثار این تمسک به حبل الهی را در همین آیات، گزارش و تحلیل و تبیین می‌کند. از جمله مهم‌ترین آثار، می‌توان به وحدت جامعه و دوری از تشتت اشاره کرد؛ زیرا حبل الهی چیزی است که برادری ایمانی را تقویت می‌کند و مردم را به نعمت اخوان و برادر بودن می‌رساند (آل عمران: ۱۰۳). در این آیات، بر محوریت خداوند و توحید در همه امور تأکید می‌شود تا نشان داده شود که اصل در همه مسائل اجتماعی و غیراجتماعی توحید و پذیرش وحدانیت الهی است (کاملی ۱۳۹۰).

مراجعه به سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام

افزون بر آنکه خداوند، وجود قرآن کریم را محوری برای همبستگی و یگانگی مسلمانان می‌شناسد و آن را «حبل الله» نامیده (آل عمران: ۱۰۳)، مراجعه به پیامبر ﷺ و سنت آن حضرت را نیز به عنوان راه کاری برای ایجاد و حفظ یگانگی معرفی کرده است: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ﴿(بازگرداندن به رسول)، در روایت حضرت امیر علی علیه السلام، به «مراجعه به سنت پیامبر» تفسیر شده است. پیامبر ﷺ با توجه به عهده دار بودن سمت شرح و تبیین قرآن در کنار مقام رسالت (نحل: ۴۴)، افزون بر آنکه خود می‌تواند برطرف کننده منازعات و مشاجرات باشد و بدین سبب، پذیرش داور وی مورد تأکید قرآن است (نساء: ۶۵)، سنت حضرت رسول

به صورت شارح قرآن می‌تواند ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن را که خود ممکن است زمینه ساز پراکندگی باشد، برطرف کند؛ چنان که حضرت امیر علی علیه السلام برای نشان دادن اشتباه خوارج در کج فهمی از آیه «ان الحكم الا لله» از ابن عباس می‌خواهد که با سنت با آنان به محاجه بپردازد.

علاوه بر این، قرآن از امامان معصوم و اهل بیت علیهم السلام با عنوان «اولی الامر» یاد کرده، سخن آنان را حجت و اطاعت از ایشان را در جهت اطاعت خدا و رسول دانسته است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴿(بدین سبب، از مسلمانان خواسته است تا در موارد اختلاف میان خود یا فهم دین، به آنان مراجعه کنند: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَتَبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿(نساء: ۸۳). نیز یکی از عوامل معرفی اهل بیت علیهم السلام در جایگاه ثقل قرآن در روایت «ثقلین» از سوی پیامبر ﷺ، نقش مؤثر آنان در ایجاد و حفظ یگانگی بوده است. در برخی از روایات، مقصود از «ریسمان مردمی» در آیه «إِلَّا بِحَبْلِ مَنْ اللَّهِ وَحَبْلِ مَنْ النَّاسِ ﴿، علی علیه السلام یا امامان علیهم السلام معرفی شده است (پرسمان، ۱۳۹۰).

در جای دیگر، قرآن می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿(انفال: ۴۶)؛ از خدا و پیغمبرش اطاعت کنید و از اختلاف و نزاع در دین پرهیزید که سست شوید و مهابت شما از بین برود. و صبر پیشه کنید که خداوند با صابران است.

امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم، پس از فراخوانی مسلمانان به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از آنان می‌خواهد که به

- ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛

- ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴)

- ﴿... وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾ (اعراف: ۱۹۹)؛

- ﴿وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: ۱۱۴)؛

- ﴿... وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (لقمان: ۱۷)؛

- ﴿... يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (اعراف: ۱۵۷)؛

- ﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه: ۷۱)؛

- ﴿الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه: ۱۱۲)؛

- ﴿... وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (حج: ۴۱)
(حیدری، ۱۳۹۰). پس قرآن گاه به کارکردهای علل و عوامل، همچون مشارکت در حوزه نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر) در ساخت جامعه برتر اشاره می کند تا بر این نکته گوشزد نماید که جامعه بدون مشارکت جمعی امکان تحقق نخواهد داشت؛ چنان که بقا و دوام آن متکی و مبتنی بر نظارت دایم و همیشگی عمومی و جمعی و فراگیر همه عناصر تشکیل دهنده جامعه، یعنی افراد اجتماعی است (منصوری، ۱۳۸۹).

مراعات حقوق برادری و رعایت نکات اخلاقی

قرآن کریم، مؤمنان را به مثابه جان های یکدیگر تلقی کرده، از آنان می خواهد که به خویشان عیب نگیرند: ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ (حجرات: ۱۱) و بر حرمت سوء ظن، حرمت تجسس (حجرات: ۱۲)، و تهمت های ناروا (نور: ۲۳) پای فشرده و غیبت کردن مؤمن را به مثابه خوردن گوشت مرده برادر خود دانسته است (حجرات: ۱۲). و به

انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند: ﴿وَلَسْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴) و بی درنگ به آنان هشدار می دهد که بسان پیروان ادیان پیشین که در دینشان دچار چند دستگی شده اند پراکنده نشوند (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۳۵): ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۰۵). این امر نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر نقش ویژه ای در برقراری اتحاد و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می کند. برخی مفسران این نقش را چنین تبیین کرده اند: اعتصام به حبل الله، امت را به مثابه جان قرار می دهد و دعوت به خیر، این اصل را تغذیه می کند و امر به معروف، حافظ و پشتیبان آن است (رشیدرضا، ۱۹۱۹م، ج ۴، ص ۴۸). از نگاه برخی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر پوششی اجتماعی برای محافظت جمعیت است و حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵). افزون بر آن، پذیرش چنین نقش مؤثری برای این دو فریضه الهی بدان سبب است که پراکندگی در دین و چند فرقه شدن، یا ناشی از اشتباه در فهم متون دینی است یا از هواپرستی افراد و گروه ها سرچشمه می گیرد و امر به معروف و نهی از منکر به صورت نظارت اجتماعی می تواند مانع رهیافت و رواج چنین انحرافات شود؛ همان گونه که قرآن عامل تفرقه را نادانی نمی داند؛ زیرا معتقد است پس از آمدن ادله و براهین پراکنده شده اند (همان، ج ۲، ص ۳۸۱).

درواقع، امر به معروف و نهی از منکر، اصل اسلامی است که در قرآن به آن سفارش بسیار شده است. امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به نیکی و پرهیز دادن از بدی است:

آن‌گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد.

در فضای فرهنگی جامعه اسلامی نباید تقابل و توهین باشد. در این آیه، خداوند از شما نمی‌خواهد رقیب را رام کنید، بلکه می‌خواهد دشمنی را از بین ببرید و عداوت را طرد کنید و این، با خوبی کردن و بدی را با نیکی پاسخ دادن است (حیدری، ۱۳۹۰). اخلاق اسلامی حکم می‌کند که با ایجاد اخوت، توهین و دشمنی و اذیت دیگر مسلمانان را، که از جمله رفتارهای ضد اخلاقی است، ممنوع و حرام گردانیم. هر کسی که به اصول اساسی اسلام ملتزم است، مسلمان و دوستی و محبت با وی واجب، و بد رفتاری با او حرام است (نخی، ۱۳۸۷، ص ۱۵). بنابراین، ایجاد همدلی و دوستی و پرهیز از کدورت و کینه میان مسلمانان، یک اصل دینی و ضروری است.

رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب مخالف

یکی دیگر از عوامل مؤثر در وحدت بخشی جوامع مسلمانان، توجه به حقوق متقابل صاحبان مذاهب و اقلیت‌های مذهبی است. مراد از رعایت این حقوق اجتماعی و سیاسی، فرصت و امکان مساوی برای انجام مراسم و اعمال عبادی متناسب با دیدگاه‌های مذهبی آنان در یک کشور از سوی دولت‌های اسلامی است (حیدری، ۱۳۹۰). خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۹۹). اسلام، خود به صورت‌های گوناگون، انسان‌ها را به گفت‌وگو و آشنایی با کسانی که دین متفاوتی دارند فراخوانده است. قرآن کریم سرشار از انواع مختلف گفت‌وگو به‌ویژه از آن نوعی است که در یک سمت آن، صالحان و پیامبران و در سمت دیگر، خویشان آنها، حاکمان یا پیروان ادیان و اعتقادات دیگر

سبب هم‌سویی چنین پیوندی با اراده الهی، راه مؤمنان را محور حق برشمرده و عدم پیروی از آنان را هم‌سنگ مخالفت با پیامبر ﷺ دانسته است (نساء: ۱۱۵). قرآن کریم، از مؤمنان خواسته است تا بسان بهشتیان، کینه از دل‌هایشان بزدایند (حجر: ۴۷) و درون جانیشان به هم مهر ورزند و از خداوند، بخشیدن برادران دینی را پیش از خود و نیز زدودن کینه درباره برادران دینی را بخواهند: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ (حشر: ۱۰). در روایات اسلامی بر اهمیت پیوند برادری و کوشش برای استحکام آن با انجام اموری همچون به دیدار هم رفتن، هدیه دادن، و... و نیز رعایت حقوق برادران ایمانی تأکیدهای فراوانی شده است (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۰ و ۱۷۱). بر اساس روایتی از امام کاظم (علیه السلام)، هر فرد مسلمان باید هفت حق برادر ایمانی خود را رعایت کند که با عدم مراعات هر یک از آنها، از ولایت الهی خارج می‌شود (پرسمان، ۱۳۹۰).

یکی از حقوق مؤمنان نسبت به یکدیگر، سخن زیبا و نیکو بر زبان راندن، و به بهترین وجه با همدیگر سخن گفتن است؛ چنان‌که قرآن مجید در یک منشور محکم اخلاقی می‌گوید: ﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِيناً﴾ (اسراء: ۵۳)؛ به بندگان من بگو نیکوترین سخن را بگوید و خوب حرف بزنید، همانا شیطان در دل‌ها و سوسه می‌کند و از آغاز دشمن آشکار انسان بوده است و مسلم است که ناسزاگویی سبب فتنه و عداوت می‌شود. بنابراین، وقتی قرآن کریم حتی با کسانی که رفتار زشت و مخاصمه‌آمیز و جنگ طلبانه دارند و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴)؛ و نیکی با بدی یکسان نیست. بدی را به آنچه خود بهتر است دفع کن،

محوریت دارد و ایجاد نزدیکی بین قلوب آنها از سوی خداوند امر مهمی محسوب می شود؛ یعنی نباید فراموش کنند که برادر دینی یکدیگر هستند. در این آیه، خداوند امر می کند سخنی گفته نشود که شیطان به وسیله آن بین آنها اختلاف اندازد و روابط بین آنها را تیره کند: ﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (اسراء: ۵۳). این آیه و آیه بعدی به صورت آشکار وجود دشمنی در قلوب برادران ایمانی نسبت به هم را رد می کند: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ﴾ (حجر: ۴۷) و حتی این امر، دعا و خواست آنها از خداوند است: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (حشر: ۱۰).

در آیات ذیل، به انس و نر می قلوب اشاره شده است:

- ﴿وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ...﴾ (توبه: ۶۰)؛

- ﴿وَيَذْهَبُ غِظًا قُلُوبِهِمْ﴾ (توبه: ۱۵)؛

- ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

ایجاد مودت حتی با دشمنان هم ممکن است: ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (ممتحنه: ۷) (مختاری، ۱۳۹۰).

انجام تکالیف دینی

در اسلام، تشریع عبادات به گونه ای انجام گرفته که فرد و اجتماع را خواسته یا نا خواسته به همگرایی و یگانگی عملی فرامی خواند.

الف) دعا: قرآن، افزون بر دعوت از مؤمنان به مناجات با خداوند (غافر: ۶۰)، خود دربردارنده عالی ترین مضامین دعاست. بررسی مضامین این دعاها نشان می دهد که

قرار دارند (تسخیری، ۱۳۸۳، ص ۴۵). بی گمان، یکی از عوامل وحدت بخش، بلکه از مهم ترین آن، احترام گذاشتن به مقدسات صاحبان مذاهب و مواظبت بر رعایت ادب در گفتار در ذکر نام آنها و نیز ملتزم بودن به این اصل عقلایی است که «آنچه را بر خود نمی پسندی، بر دیگران مپسند.» اگر ما نمی خواهیم به بزرگان، علما و دانشمندان ما بی ادبی شود، دیگران نیز چنین خواسته ای از ما دارند. قرآن کریم این اصل را حتی درباره بت پرستان و کسانی که غیر خدا را می پرستند مطرح می کند: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام: ۱۰۸)؛ و آنهایی را که جز خدا را می خوانند، دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. خداوند این اصل را در قرآن مطرح می کند: ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ﴾ (انعام: ۱۰۸)؛ این گونه برای هر امتی کردارشان آراسته می گردد و اعتقاد پیدا می کنند. وقتی خداوند درباره غیرمسلمانان چنین می گوید، این اصل درباره شخصیت های مورد احترام در میان مسلمانان بیشتر صادق است که نباید زمینه اختلاف و کینه و تحریک احساسات را فراهم کرد (نخی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

اصلاح روابط فیما بین مسلمانان

آیاتی از قرآن به طور عام بر ایجاد صلح و دوستی بین مردم تأکید می کنند: ﴿وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۲۴). در آیه ای دیگر، به طور خاص دستور به برقراری صلح بین مؤمنان داده می شود و آنان را برادران ایمانی خطاب می کند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (حجرات: ۱۰). از سوی دیگر، در چند جای مختلف قرآن اصل برادری و الفت و اخوت بین مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است. در منطق بحث از منظر قرآنی، این مسئله بین مسلمانان

به شمار می رود و تأکید بر حضور مؤمنان در اجتماعات، به همین امر ناظر است (نور: ۶۲) (حیدری، ۱۳۹۰).

حج ابراهیمی علاوه بر اینکه یک عبادت است، یک مراسم سیاسی - اجتماعی نیز می باشد و نتایج و منافع آن برای جامعه اسلامی می تواند بسیار ارزشمند باشد و مشکلات آن را بگشاید و... بنابراین، در مورد ابعاد معنوی و فرهنگی حج اختلاف نظر چندانی وجود ندارد (حسینی کشکوئی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). شهید مطهری می فرماید: «از همه اجتماعات اسلامی مهم تر و عمومی تر و طولانی تر و متنوع تر برنامه حج است که بحق آن را کنگره عمومی اسلامی نام نهاده اند» (تسخیری، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

شکوه و عظمت مسلمانان در این مراسم معنوی ملموس و عینی است. درواقع، حج به نمایش گذاشتن اقتدار مسلمانان نیز هست. البته این بدین معنا نیست که حج مراسمی نمایشی است و دستاوردی برای جامعه اسلامی ندارد.

قرآن یکی از حکمت های وجوب حج را مشاهده منافع از سوی مسلمانان دانسته است: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (حج: ۲۸). پیداست که از مهم ترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هرچه بیشتر پیوند برادری و یگانگی میان مؤمنان و نشان دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۶۹). چنان که حرمت جدال و منازعه در حج (بقره: ۱۹۷) و بر تن کردن لباس های یک رنگ و ساده احرام و انجام مناسک حج همزمان و در کنار یکدیگر همین هدف را دنبال می کند (حیدری، ۱۳۹۰).

گفت و گو و تعامل علمی میان فرهیختگان مسلمان

قرآن کریم نظریه بسیار جالبی در مورد گفت و گوی مطلوب مطرح کرده است که در آن، مقدمات گفت و گو،

برخی از آنها به صورت جمع ارائه شده است؛ نظیر آیات ۱۹۱ تا ۱۹۴ «آل عمران»، آنجا که می فرماید: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يِّنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾. سفارش به دعا برای چهل مؤمن پیش از دعا برای خود (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۵۳۸) از آن حکایت دارد که اسلام به روح یگانه نگریستن امت تأکید فراوان دارد.

ب. نماز: نماز، نماد عبادت در اسلام است و هر مسلمان وظیفه دارد در شبانه روز ده بار سوره «فاتحه» را که جامع و هم سنگ همه قرآن است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰) در نمازهای خود قرائت کند. با آنکه کلمات این سوره از زبان یک شخص ادا می شود، در خطاب های آن از ضمائر جمع استفاده شده است؛ نظیر: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد: ۶).

قرآن کریم از مسلمانان خواسته است هنگام نماز همگی رو به کعبه بایستند (بقره: ۱۴). این امر نشان می دهد که قرآن در پی ایجاد روح همگرایی و جمع نگری در دل هر مسلمان است، هرچند که تنها به نماز ایستاده باشد.

ج. نماز جماعت: تأکید بر حضور در مساجد و برقراری نماز جماعت ﴿وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ﴾ (بقره: ۴۳) و نیز نوید دادن ثواب های فراوان بر اقامه آن در روایات، از جمله برنامه های عبادی اسلام برای ایجاد همگرایی است.

د. نماز جمعه: قرآن بر اقامه نماز جمعه و رها ساختن تمام کارها از جمله خرید و فروش برای ادای آن تأکید کرده است (جمعه: ۹). بدون تردید، حضور در نماز جمعه در هفته یک بار، در کنار حضور روزانه در نماز جماعت، راهکاری برای ایجاد پیوند و یگانگی بیشتر مؤمنان

برای نفوذ تبلیغات سوء در تحریف مفاهیم بعضی مذاهب و افترای بر آنان بر آنچه که به آن ایمان ندارند، باز گذاشته است (تسخیری، ۱۳۸۶، ص ۱۶). یکی از راه‌های تقریب، سنت حسنۀ گفت‌وگوست. بخشی از اختلاف‌ها در اثر فاصله و نفهمیدن حرف یکدیگر است. گفت‌وگو رویدادی در ساحت شناخت دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات یکدیگر است (حیدری، ۱۳۹۰). گفت‌وگو، منطق درست انسانی در انتقال اندیشه به دیگران است. شیوۀ گفت‌وگو، باید مسالمت‌آمیز و برخاسته از فضایی منطقی و به دور از هرگونه ارباب یا فریب، و با آگاهی کامل نسبت به موضوع مورد گفت‌وگو و شایستگی طرفین گفت‌وگو و به روشی هرچه بهتر همراه با احترام متقابل باشد. قرآن کریم در خصوص گفت‌وگوی آرمانی، نظریه بسیار جالب و بی‌نظیری دارد که در آن، به مقدمات گفت‌وگو، شرایط و اهداف و زبان آن (ازجمله مسئله گوش سپردن به نظرات مختلف و پیروی از بهترین آنها و نیز عدم ایراد تهمت و افترا) اشاره شده است (تسخیری، ۱۳۹۰). بدی در هنگام بحث شامل همان صفات زایل‌کننده بحث سالم و منطقی است و نیکی در زمان گفت‌وگو شامل موارد پسندیده لازم در ایجاد گفت‌وگوی برادرانه است. رعایت اخلاق و ادب و منطق علمی از سوی یک طرف، می‌تواند یادآوری و تذکری به طرف مقابل گفت‌وگو باشد و به نوعی امر به معروف و نهی از منکر او به‌شمار آید (شاورانی، ۱۳۹۰). یکی از صاحب‌نظران در این زمینه می‌گوید: گفت‌وگو که اصلی بنیادین در قضیه تقریب مذاهب اسلامی است، اخلاقی حسنه است؛ اما در این گفت‌وگو هم باید دقت و مراقبت شود که اخلاق، رعایت گردد. در گفت‌وگو نباید فقط به دنبال گفتن حرف خود بود، بلکه حرف طرف مقابل را نیز باید شنید و در آن تأمل کرد. تقویت و رشد و نشر آموزه‌های اخلاقی همچون تحمل مخالف و احترام

شرایط و زمینه‌های آن و اهداف و زبان آن به شکل بی‌نظیری بیان گردیده است. ازجمله موارد مطرح‌شده، مسئله گوش سپردن به نظریات دیگران و پیروی از بهترین‌ها و مسئله جریحه‌دار نساختن عواطف طرف مقابل است، به گونه‌ای که آیه شریفه در جهت سمت و سودهی به گفت‌وگوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کسانی است که به اسلام ایمان ندارند و دور ساختن آن از انگیزش زخم‌های گذشته و تهمت‌های متقابل و جهت‌دهی منطقی به گفت‌وگو: ﴿قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (سبأ: ۲۵)؛ بگو نه آنچه ما گناه کرده‌ایم، از شما می‌پرسند و نه آنچه شما می‌کنید، از ما پرسیده می‌شود. این بیان برای رعایت ادب گفت‌وگوست. قرآن مجید و سنت شریف نبوی دو منبع اساسی قانون‌گذاری اسلام و سایر تعالیم آن هستند. همه مذاهب اسلامی بر حجیت و حقانیت این دو منبع اتفاق نظر دارند و اعتبار سایر منابع را برگرفته و مستند به این دو می‌دانند. قرآن کریم مسلمانان را به اصل گفت‌وگوی منطقی با دیگران به دور از هیاهو و ایجاد رعب، و به هدف دستیابی به حقیقت دعوت کرده است. بنابراین، بر مسلمانان به طریق اولی واجب است اختلافات خود را از طریق گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و رعایت آداب منطقی و اخلاقی آن حل کرده و گام‌های عملی در این راه بردارند. آنان باید به بعد عملی تقریب و تبلور ارزش‌های آن در زندگی اهتمام داشته باشند (تسخیری، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

زندگی ائمه اطهار علیهم السلام سرشار از گفت‌وگوهای علمی است که آداب و روش‌هایی را که در قرآن مجید برای گفت‌وگو و مناظره علمی (در شکل و محتوا) تبیین کرده است، تجسم بخشیده‌اند. مهم‌ترین و قوی‌ترین عامل تفرقه‌افکن میان مسلمانان ناآگاهی علمای بعضی مذاهب از ارکان و اصول بعضی دیگر است؛ عاملی که زمینه را

به عقاید دیگران در راه تحکیم وحدت و تقریب میان اقشار مختلف امت اسلامی کارساز است (نخی، ۱۳۸۷، ص ۱۵). در آخر، باز قرآن می‌فرماید: «مژده باد به آن بندگان، به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان» (زمر: ۱۸). علاوه بر این، باید به شرایط و ضوابط گفت‌وگو توجه کنیم که پرداختن به جزئیات آنها در بحث ما نمی‌گنجد.

تحقق نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن

مهم‌ترین ویژگی یک نظام اقتصادی در جامعه اسلامی، تأسی آن به قوانین الهی و فرامین قرآنی است. درواقع، تفاوت اساسی اقتصاد اسلامی با سایر مکاتب اقتصادی نیز در این است که اقتصاد اسلامی بر وحی مبتنی است، درحالی‌که نظریه‌پردازان اقتصاد سرمایه‌داری حول محورهای مطلوبیت، سود و رفاه مادی می‌چرخند و در نظریه اقتصاد سرمایه‌داری مبنای رفتار انسان در جایگاه مصرف‌کننده، حداکثرسازی مطلوبیت و در جایگاه تولیدکننده، بهینه‌سازی تولید با هدف حداکثر کردن سود است. در فرهنگ قرآنی، افزودن مال و اولاد، قدرت، زیبایی و مقام و دیگر علایق، وسیله آزمون انسان است تا رفتار شخص نسبت به این ودایع الهی در رابطه با مسئولیت‌های اجتماعی او دانسته شود و مال و ثروت یکی از این ودایع الهی است که وقتی در اختیار انسان قرار گرفت نباید مصالح جامعه را فدای تمایلات شخصی خود سازد، و مسئولیت خلیفه‌اللهی خود را در کاربرد این ودیعه الهی از یاد ببرد. در نتیجه، باید در حفظ و تسمیر و حداکثر بهره‌برداری از این ودیعه الهی به نفع خلق خدا کوشید و از هر عملی که باعث تقویت مال و بی‌ثمر رها کردن و هدر

دادن آن می‌شود جداً خودداری نمود. از ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام آن است که اخلاق در آن نقشی تأثیرگذار دارد؛ چراکه معیارهای اخلاقی بر رفتار اقتصادی انسان و جامعه نظارت و حاکمیت دارد و حاکمیت مطلق محیط و رفتار اقتصادی بر اندیشه و اخلاق انسانی مردود شناخته شده است. در نظام اقتصادی اسلامی، اقتصاد وسیله‌ای است برای نیل به اهداف متعالی اسلام، اهدافی که در عدالت اجتماعی و اقتصادی ظهور و بروز می‌کند. از این رو، همه در جامعه اسلامی، خود را اعضای یک خانواده می‌بینند و احساس اخوت، ایثار، تقوا و مسئولیت می‌کنند. اسلام فطرت انسان را به گونه‌ای دیگر می‌بیند و کسب حداکثر سود را تنها انگیزه معقول فعالیت‌های اقتصادی انسان نمی‌داند، بلکه در اقتصاد اسلامی، عدالت و خیرخواهی پایه رفتار و حرکات انسانی است. از سویی، مفهوم مالکیت در اسلام به دیدگاه اسلام در رابطه با عدالت اجتماعی وابسته است و مالکیت در جهتی است که کاملاً با کل نظام هماهنگ است.

این ملاک ضروری به ما می‌گوید که یک نظام، گروه و یا جامعه در صورتی به پیشرفت نایل می‌شود و به اهداف خود (که در اینجا عدالت اجتماعی و اقتصادی است) می‌رسد که مجموعه اجزای تشکیل‌دهنده آن نظام، گروه و جامعه با یکدیگر هماهنگ و هر جزء، مددکار اجزای دیگر باشد (هوشمند و همکاران، ۱۳۹۱).

اسلام خواسته است مسلمانان به صورت واحد مستقلاً زندگی کنند؛ نظامی مرتبط و اجتماعی پیوسته داشته باشند؛ هر فردی خود را عضو یک پیکر که همان جامعه اسلامی است بداند تا جامعه اسلامی قوی و نیرومند گردد؛ چراکه قرآن می‌خواهد جامعه مسلمانان برتر از دیگران باشد: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن

نتیجه گیری

راه کارهای ایجاد وحدت از دیدگاه قرآن که در متن مقاله اصلی به تفصیل شرح داده شده اند، عبارتند از: توجه به نقاط مشترک، چنگ زدن به ریسمان الهی، مراجعه به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، امر به معروف و نهی از منکر، مراعات حقوق برادری و رعایت نکات اخلاقی، اصلاح روابط فیما بین و رفتار مسالمت آمیز با پیروان مذاهب مخالف، برنامه های عبادی (دعا، نماز، نماز جماعت، نماز جمعه، مناسک حج)، تحقق نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن، رهبری مؤثر، و گفت و گوی علمی.

تحقق وحدت آرمانی جامعه قرآنی تنها در سایه توحید گسترده و واقعی آن امکان دارد و تفرقه عاملی جز شرک و نفاق ندارد. جامعه اسلامی برای بازگشت به عزت و کرامت نخست خویش و دستیابی به جامعه برتر، باید با توجه به کتاب و سنت، در محور توحید قرار گیرد و از وحدت بهره مند شده از تفرقه رهایی یابد. ایجاد وحدت و انسجام در جامعه بدون توجه به راه حل ها و روش هایی که در قرآن و سنت نبوی آمده، امکان پذیر نیست بدون شک، این نکات نیازمند تنظیم تدوین روش کاربردی است که باید از سوی فرهیختگان انجام گیرد.

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿آل عمران: ۱۳۹﴾ سست نشوید و اندوهگین نباشید که اگر به حقیقت مؤمن باشید، شما برترید. در این آیه شریفه، ایمان، ملاک برتری قرار گرفته است. اسلام، طرفدار تقویت بنیه اقتصادی است، اما نه به عنوان اینکه اقتصاد، خود هدف است یا تنها هدف است، بلکه به عنوان اینکه هدف های اسلامی بدون اقتصاد سالم و نیروی مستقل اقتصادی میسر نیست. اما اسلام، اقتصاد را یک رکن از ارکان حیات اجتماعی می داند؛ از این رو، به خاطر اقتصاد به سایر ارکان ضربه و لطمه نمی زند (پرسمان قرآن، ۱۳۹۰).

پیروی از رهبران دینی و الهی

بدون شک، قرآن کریم، انبیا و رسولان الهی صلی الله علیه و آله را به عنوان «رهبران» و پیشوایان مردم معرفی نموده و در تمامی زمینه های اعتقادی، نظامی و سیاسی، اطاعت از آنان را بر تمامی مردم واجب و لازم شمرده است. قرآن می فرماید: «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر برای اینکه به فرمان خدا، از وی اطاعت شود» (نساء: ۶۴). ایجاد اتحاد و اخوت میان ملت ها و آحاد مسلمانان در سراسر جهان از اهداف و آرمان های اصیل اسلام است که ریشه در قرآن و سنت و آراء اندیشمندان مذاهب اسلامی دارد. برای عملی شدن این هدف و شکل گیری امت واحده اسلامی در راستای اعتلاء و عزت و عظمت و اقتدار جهان اسلام، وحدت بر محور اصول دین و مشترکات اعتقادی و دامن نزدن به مسائل اختلافی در این عرصه، از ضروریات است. هرچند در پرتو بیداری اسلامی و خیزش علمی و اجتماعی مسلمانان در دهه های اخیر نسیم پیشرفت دلنوازتر شده است، لیکن تا دستیابی به امت واحده راه ناپیموده زیادی در پیش رو قرار دارد (زرهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

قائدان اصغر، ۱۳۸۶، «اتحاد ملی و انسجام اسلامی در قرآن و سیره نبوی»، **مطالعات بسیج**، سال دهم، ش ۳۴، ص ۷۱-۴۳.
فریسی کرین، حسن و همکاران، ۱۳۹۱، «تطبیق اندیشه تقریب از منظر امام خمینی و آیت الله بروجردی»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال دوم، ش ۵، ص ۹۱-۱۱۰.

کاملی اسماعیل، ۱۳۹۰، **وحدت در سایه قرآن و عترت**، در:

<http://old.nahad.ir>

کلینی، محمدبن یعقوب، بی تا، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
مختاری، س.، ۱۳۹۰، **وحدت در قرآن**، در:

<http://arshiyaa.blogfa.com>

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، **اتحاد اسلامی**، قم، صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

منصوری، خلیل، ۱۳۸۹، **وحدت در سایه سار قرآن و عترت**، در:
پورتال اهل بیت (علیهم السلام).

مهدوی مطلق شهرام، ۱۳۸۶، «برخی از مصادیق اتحاد ملی و انسجام اسلامی در قرآن»، **پاسدار اسلام**، ش ۳۱۴، ص ۴۵-۴۰.
میبیدی، رشیدالدین، ۱۳۷۱، **کشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقیق علی اصغر حکمت، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.

میرجلیلی، کاظم، ۱۳۸۷، «حضرت علی (علیه السلام) منادی وحدت»، **معرفت**، ش ۱۲۹، ص ۴۳-۶۲.

مؤیدنیا، فریبا، ۱۳۸۷، «اتحاد و وحدت از دیدگاه آیات و روایات»، **درس‌هایی از مکتب اسلام**، ش ۶۲۷، ص ۲۱۶-۲۲۲.

نخی، م.، ۱۳۸۷، «پایبندی به اخلاق، بستر تحقق وحدت اسلامی»، **فروغ وحدت**، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۴-۱۸.

نواندیشان، ۱۳۹۲، **جامعه نمونه**، در: noandyshan.blogfa.com.

هوشمند م و همکاران، ۱۳۹۰، **ابزارهای اقتصادی تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی از منظر اسلام** (با تکیه بر اندیشه امیرالمؤمنین (علیه السلام))، مشهد، دانشگاه فردوسی.

منابع

تسخیری، محمدعلی، ۱۳۸۳، **ایده‌های گفت‌وگو با دیگران**، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

—، ۱۳۸۶، **درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی**، ترجمه محمد مقدس. چ دوم، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

—، ۱۳۸۷، «گفتارهایی درباره تقریب مذاهب»، **فروغ وحدت**، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۷-۲۷.

حسینی کشکوئی، محمد، ۱۳۸۶، **نگاهی به بعد اجتماعی کعبه و حج از دیدگاه قرآن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معارف اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

حمیدری، موسی‌الرضا، ۱۳۹۰، **وحدت در قرآن (۱)**، در: nahadsbmu.ir

رشیدرضا، محمد، ۱۹۱۹م، **المستار**، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

زرهانی، سیداحمد، ۱۳۸۸، «جایگاه عقلانیت در امت واحده»، **فروغ وحدت**، سال پنجم، ش ۱۷، ص ۳-۵.

زمخشری، جارالله، ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، چ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.

سلطانی رنانی، سیدمهدی، ۱۳۸۶، «نگرشی به جایگاه و مفهوم قرآنی اتحاد ملی»، **طلوع**، سال ششم، ش ۲۴، ص ۳۵-۱۴۸.

سیدقطب، ۱۴۱۲ق، **فسی ظلال القرآن**، چ هفدهم، بیروت، دارالشروق.

شاوَرانی، م.، ۱۳۹۰، **معیارهای گفت‌وگوی اسلامی با تکیه بر آیات قرآنی به عنوان راهکار مناسب در تحقق وحدت اسلامی**، در:

www.mazaheb.ac.ir

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، **الخصال**، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.